

روزنامه همدان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۰
۱۰ ربیع الاول ۱۴۴۳_۱۷ اکتبر ۲۰۲۱- شماره ۱۷۹۵ - سال ششم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان -
ضرب کیفی ۶۷۴
t.me/HamedliDaily
newspaper.hamedli@gmail.com

صاحب امتیاز: مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۷۵-۰۲۱
نشانی: تهران- زرتشت غربی - نرسیده به بیمارستان مهر - پلاک ۵۶ - واحد ۲
تلفکس: ۰۲۱۸۸۹۶۴۵۳-۰۲۱۸۸۹۶۴۰۸

جستارها و مطالب من

کلاه من، شوق پرنده شدن، پریدن و سفر کردن

هم خوب است گاهی به آسمان نگاه کنیم شاید هنوز آن بادکنک قرمز در پرواز باشد.
- سفر اساسا رویا پردازی توام است چه پرتاب شدن کلاهی چون من در آسمان باشد یا جابجایی با آدم یا غلطیدن سنگی در شبیی تند؛ سفر آب یا چشمه‌ها در میان دشت‌ها، در ژرفاهای زمین به سوی زمینی تشنه یا دریایی خروشان ...
- سفر سفر است، گاه برای دل پریدن و گاه رفتن به اشتیاق پیوستن اما سفر همیشه ارمانه تغییر می‌آورد.

- اما سفر دشواری‌های خودش را هم دارد.
- بلی سفر گاهی با رنج همراه است، چرا که دل کنندن از عادت‌های مالوف چندان هم راحت نیست.

- اما بعضی سبکیار سفر می‌کنند و بعضی سنگین. بعضی به استقبال تغییر می‌روند و بعضی خود عنق منکثرشان را همه جا باخود می‌برند.
- منظورم از دشواری‌ها هزینه‌های سفر هم بود البته.

- بلی، خواستم خاطرهای مکدر را مکدرتر نکم و به قول معروف نمک بر زخم‌ها نباشم و الی سفر که هیچ، این روزها خریدن حتی یک کتاب هم از سبید زندگی ما آدم‌ها حذف شده است، تخم مرغ هم دارد برایمان دم نکان می‌دهد و می‌فروشد. ماسک ولبینات آن بالا بالاها نشسته و دارد تاریخ ضرب المثل‌های عامیانه را تحریف می‌کند و می‌گوید: بالاتر از سفیدی رنگی نیست! اینگونه که پیش می‌رویم باید رویای سفر را وانهیسم و به رویای خوردن یک نیمرو با نان سنگگ داغ دلخوش باشیم.

- اما با این همه فکر سفر هم حتی زیباست. آری زیبا و خیال انگیز است حتی فکر سفر.
- ناگهان دلم برای خواندن کتاب سفر به ماه ژول ورن تنگ شد!
- بله، خواندن سفرهای سندباد یا سفرنامه‌ها هم موهبتی است که نباید ندیده گرفته شود.

- پلک‌هایم کمی سنگین شده است.
- شاید وقت خفتن و خواب دیدن سفر و کشف تازه‌ها در جهان خواب و خوردن یک نیمرو با سه تخم مرغ در قهوه خانه سر راه و البته در عالم خواب از راه رسیده باشد.

طافه‌ها و تاریخچه

روزی که پزشک احمدی با آمپول هوا فرخی یزدی را به قتل رساند

میرزا محمد متخلص به فرخی، در سال ۱۲۶۷ شمسی، در یزد متولد شد. تا ۱۶ سالگی در یزد تحصیل کرد. در همان سنین نوجوانی اشعاری علیه مدیران مدرسه مرسلین یزد که متعلق به مسیوئترهای انگلیسی بود سرود. مدیران مدرسه به این خاطر او را اخراج کردند. با شروع نهضت مشروطه‌خواهی به این جرگه پیوست. با تشکیل حزب دموکرات ایران، در یزد از طرفداران این حزب شد. سهه یا چهار سال از انقلاب مشروطه گذشت، یزد فرماندار یزد ضعیف‌الدوله فردی مستبد بود، فرخی بر آن شد در عید نوروز ۱۲۹۰ بر خلاف دیگر سرایندهگان چالپوش با ساختن مثنوی وطنی به ضعیف‌الدوله هشدار دهد. اینچنین بود که شعری تند در انتقاد از رفتار او سرود و در دارالحکومه یزد خواند. حاکم سخت برآشفته شد و دستور داد او را به زندان انداخته و دهانش را با نخ و سوزن دوختند. خبر در شهر پچیید و مردم در اعتراض به این قساوت در تلگرافخانه شهر تحصن کردند و کار به پایتخت کشید

ضعیف‌الدوله هشدار داد. اینچنین بود که شعری تند در انتقاد از رفتار او سرود و در دارالحکومه یزد خواند. حاکم سخت برآشفته شد و دستور داد او را به زندان انداخته و دهانش را با نخ و سوزن دوختند. خبر در شهر پچیید و مردم در اعتراض به این قساوت در تلگرافخانه شهر تحصن کردند و کار به پایتخت کشید
مجلسیان وزیر کشور را استیضاح کردند. بعد از این واقعه به تهران آمد، به فعالیت‌های خود ادامه داد، به عضویت انجمن ادبی ایران درآمد و همکاری خود را با برخی روزنامه‌ها و مجله‌ها شروع کرد و چندین و چند شعر و مقاله انقلابی در جراید منتشر کرد. در دوره نخست‌وزیری وثوق‌الدوله به مخالفت و قیام علیه عقد قرارداد ۱۹۱۹ پرداخت و بار دیگر به زندان افتاد و سه ماهه در حبس گذراند.پس از آزادی در سال ۱۳۰۰ شمسی روزنامه توفان را منتشر کرد و با انتشار مقالات انتقادی مردم را به آگاهی و بیداری فراخواند. توفان در طول مدت انتشار بیش از ۱۵ مرتبه توقیف و باز منتشر شد. در سال اول، هفته‌ای دو روز (جمعه و دوشنبه) و در سال‌های بعد سه سه نوبت در هفته (دوشنبه و چهارشنبه و جمعه) منتشر می‌شد و بعدها به صورت مجله هفتگی درآمد. در سال ۱۳۰۷ به عنوان نماینده مجلس در دوره هفتم از طرف مردم یزد انتخاب شد. در مجلس با انتقاداش علیه نمایندگان و مداحان وقت، دشمنان بسیاری برای خود فراهم کرد، زیرا تمام وکلا طرفدار دولت بودند. درباره نمایندگان مجلس گفت: «... البته بر اثر فریادهای اعتراضی ما گاهی چرت نمایندگان محترم پاره می‌شد، سر بلند می‌کردند، فحش و ناسزا می‌گفتند و دوباره به خواب خرگوشی فرو می‌رفتند. هر وقت هم نخست‌وزیر یا

با همسر و از نگاه محمدرضا

و شعر چیست؟ (۳۸) شعر و اسطوره



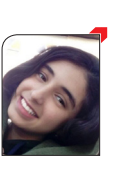
▲ فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

فرانس بواُس‌ گوید: «گویی جهان‌های اسطوره ای‌را فقط بدان سبب بنا نهاده‌اند که فرو ریزند تا باز از ویرانه‌های آن جهان‌های ای‌برافرازند.

«اسطوره به شعر عمق می‌دهد و در ایجاد طیف وسیعی از معانی رمزی، تأثیر می‌گذارد. اسطوره‌های دو نوع‌اند: «نامتبدل و متبدل» اسطوره ای‌که جا به جا نمی‌شود و نامتبدل است مربوط به ایزدان و دیوان است که صورت دو دنیسای متقابلسی را به خود می‌گیرند؛ مثل آب حیات و ظلمات، نور و تاریکی، اهریمن و اهورامزدا و امثالهم. اسطوره‌ها ریشه در آرزوهای قومی و جمعی انسان‌ها دارند و زیست مایه‌های خود را از باورهای مذهبی، ملی و عامیانه می‌گیرند و سپس در آثار ادبی و هنری به شکل‌های گوناگون تجلی می‌کنند. اسطوره‌های متبدل (تبدیل شدن) گاهی در دست شاعران، به ایزد‌های برای بیان عواطف، اندیشه، نگرش و حتا احساسات زودگذر تبدیل می‌شوند. گاهی تحولات سیاسی، اجتماعی و عقیدتی می‌توانند در تغییر و تحول یا دگرگونی سیمای این اسطوره‌ها یا پرورش و مرگ آنها تأثیر گذار باشند. شاعران می‌توانند با اسطوره سازی و اسطوره زدایی و دخل و تصرف در

تاریخچه

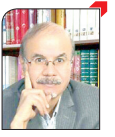


▲ هانیه فتحی نویسنده

هوا سرد است، خیلی سرده، در این شب بازدم نفس‌هایم مانند دود سیگار از ریه‌هایم خارج می‌شود و طناب کتفی دار گردنم را اذیت می‌کرد. زیر نور ماه انگشتان کیود پایم را که بر روی چهارپایه است می‌بینم،حسشان نمی‌کنم. در واقع ایسن لحظه هیچ چیز را حس نمی‌کنم حتی ضربان قلبم را. دست‌هایم را از پشت محکم بسته‌اند و چشمانم تونلی خالی است، سیاهچاله‌ای از تاریکی‌ها واقعا شرم آور است که در شب آخر زندگی ام راحت‌م نگذاشته‌اند. از من می‌ترسند، از این که رازهایشان را فاش کنم می‌ترسند، در این لحظه کودکی ام را به خاطر می‌آورم؛ زمانی که مادر برایم لالایی می‌خواند از گل رُزی که آن را به خاطر خرابهایم

یادداشت‌ها

جوان بدون اندیشه ورزی ممکن نیست



▲ محمدعلی نویدی مدرس دانشگاه

لحظه‌ای در مورد جهان زیست آدمی درنگ کنیم و به تصور آوریم که چگونه جهانی است؟ آیا جهان بدون قوه عاقله و اعمال نیروی اندیشه و اندیشه ورزی، امکان تحقق و تحصل دارد؟ به حکم وجدان درون و پداهت عقلی و منطقی و واقعیت عینی تصور و تصدیق جهان بدون اندیشه ورزی و ورود به ساخت عقلانیت امری ناممکن و ناشدنی است. نتیجه این تأمل در عقانیت در جهان زیست آدمی است؛ یعنی، بدون قوه عاقله، تمام قوای عامله معطل و معلق می‌گند. باز اگر دقت کنیم و ژرف بنگریم و سهل‌انگار نباشیم، در می‌یابیم عقل و عقلانیت

قلمروی کنش متعارف نمادهای اساطیری به ویژه اساطیر برگرفته از اساطیر به نحو چشمگیری به شعر خود عمق و زیبایی و وهاله‌ای از دوگانگی بنیادین به وجود بیاورند. وقتی بیدل دهلوی می‌گوید: «به گمراهی زن و از منت خیال برآ،که خضر نیز ز صحرای بنگ می‌آید.»

او در حکایت خضر و اسکندر، دست‌کاری می‌کند و دست به اسطوره زدایی می‌زند، در واقع خضر، در امر رهبری اسکندر، به او می‌گوید: هر که با حیات نوشید نمی‌میرد. بیدل دهلوی در این بیت کل ماجرا را مورد شک قرار می‌دهد. بیدل باز گوید:«سرد ششد دل از دم این پهلوانان غرورارستم اند اما بغل پروده‌های خالانده.» شاعر در این جا با کنایه و به کارگیری استعاره‌های ریشخندآمیز «تهکمیه» در صدد واژگونی حماسه‌های رستم دستان است.

هدف اسطوره جست وجوی مفزی است برای بروز احساسات سرکوب شده. شاعران می‌توانند رویدادهای واقعی تاریخی را به زبانی شاعرانه بیان کنند. اسطوره نخستین شکل بیان و ترجمان فرایند ذهنی رهایی است که خود حاصل تحول جهانگری جادویی اساطیری به جهان نگری اصیل دینی است. اسطوره نخستین گام در دیالکتیک بندگی و آزادی است که روح آدمی آن را در نگاره خوش- بر ساخته کیهان تجربه می‌کند. اسطوره و دین خاستگاه مشترکی در احساس آدمی دارند. اسطوره پیوندی تنگاتنگ با احساس

تاریخچه

تابو

به برخی پرشده از هراس تبدیل شود، که این تحقیر شدن‌ها نصیب دخترکی است با چشمانی سبز و موهایی به رنگ آسمان سرخ شامگاه که تنها جرمش زنده بودن است... فریادهایی که هیچگاه از سرم بیرون نمی‌رفتند، ولی من فریاد زدم و به تمام آنها نشان دادم طعم گس ترس را وقتی که چاقو را به سمت صورت‌هایشان می‌بردم. دیگر خبری از نگاه‌های تصاحب‌گرانه قبل نبود و بوی خون آنها در دست‌انام لاله بخش تر از هر گناهی بود... من تمام آنها هستم؛ مردمانی که مرا ای شرم خطاب می‌کردند. من هیچ پشیمان نیستم و با لب‌هایی خندان به استقبال جهنم می‌روم ... حال که خود را بسته به چونه دار می‌بینم بیشتر از قبل می‌فهمم طلوع‌ها اینجا گم شده‌ اند و من نمی‌گذارم دوباره مردم برای زندگی ام تصمیم بگیرند، من هنوز می‌توانم پیژم ولی این‌بار بلندتر. ...

تاریخچه

اندیشه‌ورزی قابل تقلیل و فرو کاهش به هیچ نیروی و ساحتی نیست. به عبارت دیگر در صورت تحویل و تقلیل تفکر و اندیشه ورزی به عوالم احساس و تخیل و خرافات، سقوط و هبوط آدمی به سطح و ساحت حیوانیت قطعی می‌شود. بنابراین، جهان بدون اندیشه ورزی جهان انسانیت نیست. در بین قوای بشر و نیروهای جهان زیست و مادی هیچ نیرویی به پیچیدگی و پرتوانی عقل و اندیشه نیست. اندیشه و اندیشیدن هم در امور راست و نافع و خیر میدان عمل و قدرت دخل و تصرف دارد و هم در میدان شسر و گرفتاری و دروغ و واژگونی امور توان تصور و تصرف دارد. یعنی، اندیشه ورزی هم به حقایق راستین اصابت می‌کند و هم به واقعیات خیالی، واهی و ویرانگر. اندیشه رستی حرکت در مسیر و هدف واقعیت راستین و اصیل است؛ و اندیشه دروغین حرکت در مسیر و مقصد شیطانی و شر است. از قبل



Sergey Semendyaev-Ukraine

و افکار و آرزوهای متحقق نشده دارد. شاملو در شعر زیبای «مرگ ناصری» به صلیب کشیدن مسیح را بر تپه جلجتا و نامردمی دژخیمان را به تصویر می‌کشد. بیاورند. وقتی بیدل دهلوی می‌گوید: «به گمراهی زن و از منت خیال برآ،که خضر نیز ز صحرای بنگ می‌آید.»

او در حکایت خضر و اسکندر، دست‌کاری می‌کند و دست به اسطوره زدایی می‌زند، در واقع خضر، در امر رهبری اسکندر، به او می‌گوید: هر که با حیات نوشید نمی‌میرد. بیدل دهلوی در این بیت کل ماجرا را مورد شک قرار می‌دهد. بیدل باز گوید:«سرد ششد دل از دم این پهلوانان غرورارستم اند اما بغل پروده‌های خالانده.» شاعر در این جا با کنایه و به کارگیری استعاره‌های ریشخندآمیز «تهکمیه» در صدد واژگونی حماسه‌های رستم دستان است.

هدف اسطوره جست وجوی مفزی است برای بروز احساسات سرکوب شده. شاعران می‌توانند رویدادهای واقعی تاریخی را به زبانی شاعرانه بیان کنند. اسطوره نخستین شکل بیان و ترجمان فرایند ذهنی رهایی است که خود حاصل تحول جهانگری جادویی اساطیری به جهان نگری اصیل دینی است. اسطوره نخستین گام در دیالکتیک بندگی و آزادی است که روح آدمی آن را در نگاره خوش- بر ساخته کیهان تجربه می‌کند. اسطوره و دین خاستگاه مشترکی در احساس آدمی دارند. اسطوره پیوندی تنگاتنگ با احساس

زیبایی‌شناسی

پیایی بیفشان از آینه گرد که مضفل نگیرد چو زنگار خورد نه در ابتدا بودی آب منی؟ اگر مردی از سر به در کن منی چو روزی به سعی آوری سوی خویش مکن تکیه بر زور بازوی خویش چرا حق نمی‌بینی ای خودپرست که بازو به گردش درآورد و دست؟ چو آید به کوشیدنت خیر پیش به توفیق حق دان نه از سعی خویش به سرپنچگی کس نبرده‌ست گوی سپس خداوند توفیق گوی

منتقدان و نگاه

منتحنی تقاضا:

در تعریف منتحنی تقاضای یک کالا، به جز قیمت سایر عوامل موثر بر قیمت ثابت در نظر گرفته شده‌اند.

این عوامل شامل:تعداد مصرف‌کنندگان در بازار، سلیقه آنان، درآمد آنان و قیمت کالاهای جانشین و مکمل آنها.در صورتی که یکی از این عوامل تغییر کند منتحنی تقاضا جابجا می‌شود.

مثلا اگر سلیقه مصرف‌کنندگان در استفاده بیشتر از ایسن کالا برانگیخته شود و یا اگر درآمد پولی آنان افزایش یابد یا اگر قیمت کالاهای مکمل افزایش و کالاهای جانشین کاهش یابد، منتحنی به سمت راست و بالا جابه‌جا می‌شود و بالعکس. در ایسن صورت قیمت و مقدار تعادلی آن کالا نیز افزایش می‌یابد.

در سطح پرسش و پاسخ

جمله‌های پرسشی:

جمله‌های پرسشی اغلب درست مانند جمله خبری هستند. فقط در آغاز آن‌ها واژه «آیا» آورده می‌شود. گاهی برای ساختن جمله پرسشی از واژه‌های پرسشی مانند چه‌کسی، چگونه، کجا، چه هنگام، کدام یا چه، که و کی بهره می‌گیریم. در این صورت، هر کدام از ایسن واژه‌ها به جای مسند، مفعول یا متمم می‌نشینند.(گاهی جمله فقط با تغییر آهنگ کلام، پرسشی می‌شود) نمونه:

(الف) چگونه می‌توان مخترع یا کاشف بزرگی شد؟
(ب) در چه ماه‌هایی بیش‌ترین بارندگی رخ می‌دهد؟

(چ) چرا سمندر عینکی را به این نام می‌خوانند؟
(ت) بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین سیاره منظومه خورشیدی کدام است؟

مجازها

■ من قبل از وقت گرفتن برای دکتر یا آرایشگاه: «کاش زودترین وقت رو بهم بده.» بعد از وقت دادن: «کاش پیام بده کنسلش کنه.» بعد از کنسل کردن:«مگه من مسخره پدرتم؟»

- (روایات تاریخی)
- ایستناگرام منو افسرده می‌کنه. هر روز به عالمه ایرانی میبینم که خوشحال و خندان دارن تفریح میکنن و حس میکنم من تنها آدمی هستم که زندگی تکراری و خسته کننده دارم. (پامکین)
- بیشتر مردم فکر می‌کنن وقتی می‌کن «بازرسی» یا «بازرسی» یعنی «بیسوزی و بسازی» یا «تحمل کنی». در حالی که معنیش می‌شه ساختن، درست کردن، بالا بردن، بنا کردن. (سمانه صالحی)
- یکی به این فودبلاگر بافهمونه که مشکل ما بیپنا کردن رستوران خوب نیست، مشکل ما نداشتن پول برای رستوران خوبه.

نگارخانه

فضایپیمای «لوسی» به فضا پرتاب شد

فضایپیمای لوسی ناسا که به مطالعه «تروجان»های سیاره مشتری می‌پردازد به فضا پرتاب شد. فضایپمای لوسی ناسا ۱۶ اکتبر (۲۴ مهر) در ساعت ساعت ۵:۲۴ صبح به وقت منطقه زمانی شرقی(۱۳:۰۴ به وقت تهران) به فضا ارسال پرتاب شد.

این فضایپما برای کاوش «تروجان» های سیاره مشتری به فضا رفته است. «لوسی» اولین فضایپمایی است که چنین مأموریتی بر عهده دارد. سیارک‌های «تروجان» که بر اساس شخصیت‌های اساطیر یونانی نامگذاری شده‌اند، سیارک‌هایی هستند که در مداری مشابه مشتری به دور خورشید می‌چرخند. گروهی از آن‌ها از مشتری جلوتر بوده و گروه دیگر پشت آن قرار دارند. اعضای گروه فضایپمای «لوسی» چندین هفته گذشته را در مرکز فضایی کندی در فلوریدا گذراندند تا این فضایپما را برای پرواز آماده کنند. مهندسان، سیستم‌های مکانیکی، الکتریکی و گرمایشی آن را مورد آزمایش قرار دادند. اوایل ماه اوت مهندسان آتن‌های این فضایپما را که دومین جزء مهم آن پس از آرایه‌های خورشیدی است، وصل کردند. این آتن‌ها امکان برقراری ارتباط با زمین را برای «لوسی» فراهم می‌کنند. در روز ۱۸ سپتامبر، مهندسان پیشران مخازن ایسن فضایپما را با ۷۲۵ کیلوگرم هیدروژن و اکسیژن مایع پر کردند. این سوخت ۴۰ درصد جرم فضایپما را تشکیل می‌دهد. موشک «اتلس V» ایسن فضایپما را با خود به خارج از جو زمین برد تا سفر طولانی خود به سمت سیارک‌های تروجان را آغاز کند. این فضایپما از «اتلس V» جدا شده و در مدار قرار گرفته است.این فضایپما در طی سال‌های ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۲ از هفت تروجان دیدن می‌کند.